

تحلیلی انتقادی از بازآفرینی منظر شهری ناهمساز در سامان دهی بافت های تاریخی (نمونه موردی: مرکز ملی هنر و فرهنگ ژرژ پمپیدو پاریس)

رضا گنجعلی خانی

کارشناس ارشد معماری

rezaganjalikhany@gmail.com

چکیده

بازآفرینی منظر شهری در بافت های تاریخی، حوزه ای میان دانشی است که برای نیل به اهداف خود، باید ساحت هایی چون منظر، طراحی شهری و مرمت شهری را مورد مطالعه قرار دهد. علم منظر با رویکردی عملکردگرا و هویت بخش، به دنبال یافتن پاسخ های معتبر در مسائل طراحی منظر است. از سوی دیگر یکی از مهم ترین مسائل زیرساختی مرمت شهری، حریم گذاری بر بافت ها و محوطه های تاریخی است. این مهم از پیچیده ترین نوع مطالعات عرصه شهرسازی و برنامه ریزی شهری است. چند پهلوی بودن حریم گذاری بر ثروت ها و میراث فرهنگی یک کشور که بافت های تاریخی از شایان ترین آن هاست، عامل این پیچیدگی خواهد بود. در مرمت های شهری که حریم بافت های تاریخی در نظر گرفته نمی شود؛ این سؤال و دغدغه را برای بسیاری از منتقدین و دوست داران بافت های تاریخی، ایجاد می کند که آیا این نوع سامان دهی، درست و به دور از مشکلات بعدی خواهد بود؟ مولفه هایی چون پویایی، سرزندگی، جاذبه گردشگری از یک سو، و از سوی دیگر مؤلفه های مهمی چون تعاملات اجتماعی، ساختار و منظر تاریخی منطقه، زمینه گرایی و هویت، از سوی دیگر مباحثی هستند که باید موشکافانه تحلیل شوند. یکی از نمونه های مطرح در حوزه منظر و مرمت شهری، مرکز ملی هنر و فرهنگ ژرژ پمپیدو پاریس است که بسیاری از صاحب نظران و منتقدان، آن را الگویی موفق به حساب می آورند. لذا این ساختمان و محله ای که در آن واقع است، در این پژوهش، به عنوان نمونه انتخاب و در راستای هدف مقاله، تحلیل شده است. آنچه در پیش است، سعی دارد؛ با نگاهی علمی و خالی از تعصب نسبت به تاریخ، روشن سازد که مکان یابی پروژه ژرژ پمپیدو، به نادرست برای این گونه معماری، انتخاب شده و منظر ناهمساز را آفریده که خوانش تاریخی بافت شهری مورد نظر را خدشه دار کرده است. همچنین این مقاله، نقد و پاسخی صریح خواهد بود بر رویکردهایی که مؤید و موافق این روش حریم گذاری و مرمت بافت های تاریخی هستند. این پروژه بر پایه مطالعات میدانی، کتابخانه ای، مصاحبه و تهیه پرسش نامه، انجام شده است.

واژگان کلیدی

منظر شهری، مرمت شهری ناهمساز، جامعه شناسی سیاسی، آشنایی زدایی، معماری High - Tech.

مقدمه

با توجه به مقدمه، پرسش‌هایی که در این مقاله مطرح می‌شود، بدین صورت است:

- آیا این نوع‌گزینش‌ها صحیح است و مناسبتی برای بازآفرینی منظری، سامان‌دهی، مرمت و باززنده‌سازی هر نوع بافت تاریخی دارد؟
- آیا این پارادایم‌ها، برای خود کشورهای غربی به درستی کارکرد داشته‌است؟
- آیا شیوه بازآفرینی منظر تاریخی و مرمت شهری ناهمساز^۱ در بافت‌های ارزشمند از جهت تاریخی - فارغ از برهه زمانی خاص - روشی درست است؟

بسیاری از شهرهای ایران، غنی از ثروت‌ها و میراث تاریخی- فرهنگی است که به آن بافت تاریخی و یا گاهی بافت فرسوده گفته می‌شود. این ثروت و میراث فرهنگی هم‌اکنون در بسیاری از شهرها تبدیل به معضلی بزرگ و بی‌پاسخ شده‌است. در جهت حل این معضل بسیاری از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان این حوزه، اقدام به‌گزینش‌پاسخ‌هایی می‌کند که مستقیم و بدون نقد، از پارادایم‌های غربی، استفاده‌الگویی می‌کند. مرمت شهری و تعیین حریم برای بافت‌های تاریخی، کاری به مراتب پیچیده‌است، از آن جهت که ابعاد متفاوت و میان‌حوزه‌ای در این سامانه نقش دارند، مانند: علوم اجتماعی، فرهنگ، منظر، برنامه‌ریزی و طراحی شهری.

فرضیه

در محدوده شهر تاریخی رم و یا مجلس رایشتاگ^۲ برلین آلمان. اما آنچه مرکز ژرژپمپیدو و محله بوبور را متمایز از بقیه می‌سازد، دلایل زیر است:

- معماری مرکز ژرژپمپیدو^۳ معماری ارزشمند و فاخر می‌تواند به حساب آورد. معمولاً در گونه بازآفرینی منظری و مرمت شهری ناهمساز، ساختمانی به سرشناسی و شهرت مرکز ژرژپمپیدو و بافت تاریخی ارزشمندی چون محله بوبور را نمی‌توان نام برد.
- محله بوبور در پاریس یکی از محله‌های مهم با درجه اهمیت و ارزش تاریخی بالاست. از آنچه در باب این محله در پیش‌رو خواهد آمد مشخص می‌کند که این محله برای مرمت و سامان‌دهی، باید مورد ارزش‌گذاری دقیق‌تری واقع می‌شد.
- با توجه به آنچه در مورد محله بوبور و ساختمان ژرژپمپیدو گفته شد، قرارگیری این دو در کنار یکدیگر، مسئله‌ای پیچیده از مفهوم منظر و مرمت ناهمساز را تولید کرده‌است. با توجه به درجه اهمیت بالایی که هرکدام از این دو به خودی خود و بدون وابستگی به دیگری دارند، لذا این مورد را به یکی از بهترین نمونه‌های جهانی برای بررسی تبدیل می‌کند.

جستارهای پایه

در این قسمت به ارائه مطالعات مقدماتی و پایه‌ای مورد نیاز در پژوهش، پرداخته می‌شود. تا دست‌مایه کاربردی، جهت مبانی نظری و نتیجه‌گیری ایجاد کند.

• تاریخ مرکز ژرژپمپیدو

بوبور در منطقه چهارم که یکی از بیست منطقه پاریس بوده، قرار گرفته‌است. این منطقه در مجاورت محله له‌آل، کاخ موزه لوور، رود سن و کلیسای مشهور نوتردام واقع شده‌است. در این منطقه دو

هر نوع تداخل و بازآفرینی منظر شهری، به گونه ناسازگار در بافت‌های تاریخی را نمی‌توان موفق قلمداد کرد. همچنین نمی‌توان این نوع‌گزینش و برخورد را بی‌نیاز از نقد دانست.

• عدم ارزش‌گذاری صحیح بر بافت‌های تاریخی، باعث بروز خطاهای بزرگ در تصمیم‌گیری خواهد شد. (ارزش‌گذاری تاریخی، ارزش‌گذاری معماری - شهرسازی و ارزش‌گذاری اجتماعی - فرهنگی بافت تاریخی)

• اتخاذ تصمیم ساخت مرکز ژرژپمپیدو در محله بوبور، نمی‌تواند الگویی قابل تعمیم باشد و از این روش نمی‌توان به عنوان یک الگوی موفق در مرمت شهری و تعیین حریم بافت‌های تاریخی استفاده کرد.

روش تحقیق

این پژوهش، حاصل مطالعات میدانی و مشاهده پروژه از نزدیک و همچنین بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و نتیجه آماری از انجام مصاحبه و تهیه پرسش‌نامه، شکل گرفته‌است. بر این اساس از چارچوب‌های نظری، مؤلفه‌هایی گزینش و مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا با ارزش‌گذاری آن‌ها، درستی فرضیه‌های بیان‌شده، اثبات شود. قابل ذکر است که این پژوهش با نگاه به اتفاقات کنونی ایران، در بافت‌های ارزشمند تاریخی و دغدغه مؤلف نسبت به این بافت‌ها، شکل یافته‌است.

دلایل انتخاب مرکز فرهنگی ژرژپمپیدو

در جهان نمونه‌های زیادی برای شیوه بازآفرینی منظر شهری در بافت‌های تاریخی و همچنین مرمت شهری و یا معماری ناهمساز می‌توان مثال زد. از جمله مجموعه یادبود ویکتور امانویل^۴

مؤلفه های ذیل از مبانی فکری این معماری هستند:

- شفافیت ساختمان
- صادقانه و خوانا بودن معماری ساختمان
- استفاده از به روزترین تکنولوژی ها در ساختمان
- عیان و در معرض نمایش بودن عناصر تکنولوژیک استفاده شده در ساختمان
- دوری از استفاده از هرگونه عنصر غیر کارکردی و تزئینی
- منطقی بودن طرح ساختمان
- رویکرد علمی در طراحی ساختمان^{۱۱} (اثبات گرایی^{۱۲} و عمل گرایی^{۱۳})
- کارکردی^{۱۴} و ساختارگرا^{۱۵} بودن معماری ساختمان

نگاهی به جامعه شناسی سیاسی و باز خورد منطری و معمارانه آن همواره در پژوهش های منطری ریشه شناسی و خوانش هویت از عناصر کلیدی به حساب می آید. جامعه شناسی سیاسی یکی از مولفه های کاربردی در درک و خوانش منطری است.

دولت ها در قرن بیست میلادی به خصوص بعد از دو جنگ جهانی، براساس تحولات قرن ۱۹ و ۲۰ در شکل اجتماع و علوم اجتماعی، دارای تحولات اساسی شده است. این چرخش در رویکردها را این گونه می توان خلاصه کرد:

- تغییر از دولت های اقتدارگرا به دولت های کارکردگرا
 - تغییر از ماهیت فرمالیستی^{۱۶} دولت ها به ماهیت ساختارگرا
 - تغییر از ماهیت بورژوازی^{۱۷} فئودالیستی^{۱۸} آریستوکراسی^{۱۹} کاپیتالیستی^{۲۰} تئوکراسی^{۲۱} و استعمارگر به ماهیت دموکراتیک^{۲۲} لیبرال^{۲۳} سوسیال^{۲۴} و تکنوکرات^{۲۵}
- این نوشتار گنجایش تعریف مفاهیم فوق را ندارد، لذا برای مطالعه بیشتر و درک بهتر پیشنهاد می شود، مراجع آورده شده در آخر مقاله، بازبینی شود. اما مفاهیم بالا و عیان شدن آنها در معماری، به صورت نمونه ارائه شد تا درک دقیق تری از دگرگونی های سیاسی و تأثیر آن بر معماری به دست دهد.
- در محله بوبور این ساختمان ها وجود دارد؛ کلیساهای قرون وسطایی و گوتیک، کاخ های مربوط به قرون هفدهم و هجدهم و ساختمان های مسکونی از قرن ۱۲ به بعد. هرکدام از این ساختمان ها معرف پارادایم های اجتماعی و سیاسی دوره خود است، این پارادایم ها، در فهرست رویکردهای سیاسی اجتماعی - بورژوازی، ... ، استعمارگری - قرار می گیرد.
- همان گونه که در پیش آمد، ساختمان مرکز ژرژ پمپیدو دارای خصوصیتی مانند شفافیت، کارکردگرا و ساختارگرا، منطقی و دارای رویکرد تکنولوژیک است. این مشخصات را می توان از خصوصیات بارز دولت سوسیالیست فرانسه در روزگار بعد از جنگ جهانی دوم تا ساخت ساختمان مرکز ژرژ پمپیدو دانست.

کلیسا و چندین ساختمان تاریخی قرارداد. قدمت این ساختمان ها از قرن یازدهم و پیش از آن، تا قرن نوزدهم است. این منطقه قبل از قرن نوزده و بیست، به عنوان مکانی مناسب برای ثروتمندان فرانسه مورد استفاده برای ساخت خانه و کاخ واقع شد. پس از خرابی های فراوان جنگ جهانی اول در پاریس، زمین کنونی مرکز ژرژ پمپیدو، تبدیل به پارکینگ عمومی شد. براساس نظر شارل دوگل^۶ اولین رئیس جمهور جمهوری پنجم فرانسه، در طرح نوسازی پاریس؛ این زمین جهت ساخت کتابخانه ملی فرانسه انتخاب شد، اما در دوره ریاست جمهوری بعدی، این زمین برای مرکز ملی هنر و فرهنگ فرانسه در نظر گرفته و طی برگزاری یک مسابقه، در سال ۱۹۷۰ طرح رنزو پیانو و ریچارد راجرز انتخاب شد. این ساختمان به مساحت ۱۷۷۰۰ مترمربع، در سال ۱۹۷۷ توسط رئیس جمهور بعد فرانسه، والرئ ژیسکار دستن^۷ افتتاح شد.

• ریشه شناسی^۸ کلمه بوبور و تاریخ محله بوبور

کلمه بوبور به معنای شهر زیباست. این کلمه از دو کلمه beau به معنی زیبا و bourg به معنای قصبه و یا شهر است. اما با نگاهی تخصصی تر bourg در زبان فرانسه معادل و هم ریشه burgh در زبان انگلیسی است. این کلمه به معنای شهر بورژوازی خود مختار^۹ و یا شهر دارای بازار است. با توجه به تاریخ گفته شده و معنی نام بوبور، این منطقه دارای ساختار فئودالی و بورژوازی بوده است. لذا لازم است که برای درک بهتر ارزش این محله، نگاهی به مطالعات تخصصی جامعه شناسی سیاسی نیز شود؛

«ریشه تاریخی بورژوازی به مفهوم دقیق آن به توسعه شهرها در اروپای غربی و مرکزی در قرون میانه باز می گردد. از نظر تاریخی، بورژوازی در اروپای قرن یازدهم در نتیجه منازعه بازرگانان و افزایندهای سازمان یافته در درون اصناف با زمین داران پدید آمد. نتیجه این کشمکش پیدایش شهرهای خودمختار (burgh) و اصناف مستقل از طبقه اشراف (burgher) بود.»^{۱۰}

شهر بوبور از اولین و یکی از مهم ترین نمونه های این گونه شهرها بوده است که تاریخ شکل گیری این شهر به قرن دوازدهم میلادی می رسد. بنابراین اهمیت زیاد این منطقه در پاریس کنونی، از لحاظ تاریخی مشهود است و به این محله باید به مثابه یک سرزمین تاریخی و تاریخ ساز نگریست.

بازشناسی مفهوم High Tech

مرکز ژرژ پمپیدو دارای معماری است که آن را از پیش تازان معماری High Tech می توان به حساب آورد. این معماری به گونه ای اغراق آمیز به ستایش تکنولوژی می پردازد و آن را در ساختمان، برهنه و عیان در معرض دید قرار می دهد. این گونه معماری را می توان معماری پیرو معماری مدرن قلمداد کرد. لذا

بازشناسی نگاه‌های غیر تخصصی به مرکز ژرژ پمپیدو

در این قسمت مصاحبه و پرسش‌نامه، از افراد غیر متخصص در ساحت منظر و معماری، با نمایش عکس‌های گرفته شده از مرکز ژرژ پمپیدو و محله بوبور در ایران به عمل آماده است تا خوانشی منطبق با هدف کلی، از موضوع به دست دهد^{۲۶}. جامعه آماری، جهت انجام این قسمت از تحقیق، متشکل از ۳۰ نفر از رده‌های سنی مختلف و ترکیب برابر جنسیتی بوده است.

ترتیب پاسخ به پرسش‌نامه این‌گونه بوده است که از گروه آماری خواسته شد عکس‌های مرکز و محله را دیده و بدون هیچ توضیحی از طرف مولف، در مورد آن ابراز نظر کنند. ابراز نظر افراد در چارچوب‌های غیر تخصصی در جدول ۱ ذکر شده است که عبارت است از:

زیبا و یا زشت بودن ساختمان مرکز و همچنین محله بوبور معمولی و یا عجیب بودن ساختمان مدرن و منطقی بودن و یا غیر منطقی و تخیلی شلوغ و یا خالص بودن ساختمان کامل و یا ناقص بودن ساختمان ترجیح وجود یا عدم وجود این ساختمان در محله بوبور قابل پذیرش بودن وجود این ساختمان در محله بوبور با توجه به همساز بودن شاخص بودن و یا عدم تشخیص تشخیص کاربری ساختمان و پس از ارائه توضیح در مورد رویکرد و تاریخچه مرکز و محله بوبور، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد، دوباره به پرسش‌نامه پاسخ دهند. نتیجه در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

نوبت اول

جدول ۱. مصاحبه قبل از انجام توضیحات. مأخذ: نگارنده.

مورد	رای	مورد	رای	مورد	رای
۱	زیبا بودن ساختمان	۶	زشت بودن ساختمان	۱۵	ممتنع
۲	زیبا بودن محله بوبور	۲۸	زشت بودن محله بوبور	-	ممتنع
۳	معمولی بودن ساختمان	۱۱	عجیب بودن ساختمان	۱۳	ممتنع
۴	مدرن و منطقی ساختمان	۱۹	تخیلی و غیر منطقی	۵	ممتنع
۵	شلوغ بودن ساختمان	۲۵	خالص	۲	ممتنع
۶	کامل بودن ساختمان	۴	ناقص بودن ساختمان	۲۳	ممتنع
۷	وجود ساختمان در محله	۱۱	عدم وجود در محله	۱۸	ممتنع
۸	قابل پذیرش بودن ساختمان	۱۹	عدم پذیرش	۸	ممتنع
۹	شاخص بودن ساختمان	۲۸	عدم تشخیص	-	ممتنع
۱۰	پیش بینی کاربری	تجاری و تفریحی	صنعتی ۱۳ رای	پایانه حمل و نقل عمومی	۱۰ رای

نوبت دوم

جدول ۲. مصاحبه بعد از ارایه توضیحات. مأخذ: نگارنده.

مورد	رای	مورد	رای	مورد	رای
۱	زیبا بودن ساختمان	۱۳	زشت بودن ساختمان	۱۲	ممتنع
۲	زیبا بودن محله بوبور	۲۸	زشت بودن محله بوبور	-	ممتنع
۳	معمولی بودن ساختمان	۹	عجیب بودن ساختمان	۱۵	ممتنع
۴	مدرن و منطقی ساختمان	۲۶	تخیلی و غیر منطقی	-	ممتنع
۵	شلوغ بودن ساختمان	۱۰	خالص	۲۰	ممتنع
۶	کامل بودن ساختمان	۱۹	ناقص بودن ساختمان	۱۰	ممتنع
۷	وجود ساختمان در محله	۱۷	عدم وجود در محله	۱۲	ممتنع
۸	قابل پذیرش بودن ساختمان	۲۲	عدم پذیرش	۸	ممتنع
۹	شاخص بودن ساختمان	۳۰	عدم تشخیص	-	ممتنع

چارچوب های نظری

برای انجام نقد دقیق، سنجه‌هایی که برآمده از رویکردهای تحقیقی، نسبت به موضوع است، استخراج و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زمینه‌های نظری لازم که سنجه‌ها برخاسته از آن‌ها هستند به شرح ذیل است:

- رویکرد تاریخی و نگاه تاریخ‌گرا و ضد تاریخ (در نگاه تاریخ‌گرا؛ هر آنچه تعلق تاریخی دارد ارج نهاده خواهد شد و در نگاه ضد تاریخ؛ تاریخ به مثابه امری جبری قلمداد می‌شود و گریز از آن به معنای پیدا کردن اختیار بشر در مقابل جبر تاریخی است^{۲۷}).
- رویکرد علمی (اثبات‌گرایی، کارکردگرایی و نتیجه‌گرایی)
- رویکردهای جامعه‌شناختی
- رویکرد منظر شهری (هویت‌گرا، زمینه‌گرا و سرزمین‌محور)
- رویکرد هنری (آشنایی زدایی^{۲۸} و پیشرو^{۲۹})
- آینده‌نگری
- رویکرد مقایسه‌ای

با توجه به مبناهای بالا، سنجه‌های زیر به عنوان چارچوب‌های نظری، کارکردی و پاسخگو، در این پژوهش مطرح و در جهت رد یا اثبات فرضیه و همچنین بررسی و نقد مرکز ژرژپمپیدو طرح می‌شود:

- مقایسه رویکردهای سیاسی - اجتماعی تصمیم‌گیران ساخت مرکز ژرژپمپیدو و بافت تاریخی بوبور. (رویکرد تاریخی و جامعه‌شناختی)
- آشنایی زدایی در بازآفرینی منظر شهری ناهمساز. (رویکرد

هنری و تاریخی)

- قضاوت و نقد تاریخی آیندگان. (آینده‌نگری و رویکرد تاریخی)
- مقایسه تطبیقی بافت تاریخی بوبور با سایر بافت‌های تاریخی که به این روش ساماندهی نشده‌اند. (رویکرد مقایسه‌ای)
- مقایسه تطبیقی مرکز ژرژپمپیدو با سایر ساختمان‌های همسانی که در بافت‌های تاریخی ساخته نشده‌اند. (رویکرد مقایسه‌ای)
- پارادوکس مرمت آتی ساختمان ژرژپمپیدو. (آینده‌نگری و رویکرد علمی)
- مقایسه رویکرد فلسفی معماری مرکز ژرژپمپیدو با ساختمان‌های بافت تاریخی بوبور. (رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی)
- تحلیل منظر. (رویکرد منظر)

سنجش اول: مقایسه رویکردهای سیاسی - اجتماعی

همانگونه که از تاریخ و ریشه‌شناسی نام منطقه بوبور مشخص است، این منطقه از نخستین شهرهای خودمختار بورژوازی اروپایی است که در اثر درگیری بورژواها با نظام فئودال و پیروزی آن‌ها شکل پیدا کرده‌است و بورژوازی در قرون بعدی، تبدیل به نیروی ثروتمند و تأثیرگذار جامعه شد و سود طبقه خود را بر سود کل جامعه ترجیح داد. لذا شکل‌گیری این منطقه با آرمان‌های طبقه سرمایه‌داری همگن بوده‌است. از اهداف جمهوری پنجم فرانسه، پیشبرد جامعه به سمت دموکراسی، لیبرالیسم و سوسیالیسم بوده‌است و سیر تحولات قرن بیستم، دولت‌ها را از حالت اقتدارگرا

به سمت دولت کارکردگرا سوق داد. (اصالت قدرت جای خود را به اصالت کارکرد بخشید).

در راستای رسیدن به اهداف دولت‌های مدرن، انتخاب مکانی چون منطقه بوبور، برای پروژه‌ای پیشرو که بسیاری از شعارهای دولت وقت و خواسته‌های جامعه روشنفکر فرانسه را در قالب معماری بیان می‌کرد؛ انتخابی درست است.

نتیجه این سنجش واجد ارزش درستی خواهد بود به این اعتبار که؛ تضاد معنادار و روشنفکرانه‌ای بین معماری ارزشمند مرکز ژرژپمپیدو که نمونه‌ای از معماری برای همه، کارکردی و خالی از تزیینات اشرافی است با محله بوبور، نمونه‌ای از معماری با تزیینات اشرافی و فرم گرا وجود دارد.

سنجش دوم: آشنایی زدایی

از مفاهیم اعتباریافته در گفتمان‌های زیبایی‌شناسی فرم، مفهوم آشنایی زدایی است. این رویکرد از قراردادن مفهومی آشنا در فرمی جدید و ناآشنا که بیننده را دچار هیجان و حیرت می‌کند، سخن دارد. این رویکرد اولین بار توسط فرمالیست‌های روسی مطرح شد.

در معماری ژرژپمپیدو عناصر تکنولوژیک زمان طراحی، تبدیل به فرم شده و صورتی معناگرایانه به خود می‌گیرد. این آشنایی زدایی بزرگ و واجد ارزش، عناصر تاسیساتی و سازه‌ای ساختمان را تبدیل به تزیینات کارکردی می‌کند و شعار «فرم تابع عملکرد است» معنایی تازه به خود می‌گیرد. این اثر را می‌توان اوج بلوغ معماری مدرن دانست.

انتخاب این مکان، توان این رویکرد مرکز ژرژپمپیدو را به مراتب قدرتمندتر کرد تا پیام آن شیواتر دریافت شود. در بررسی زیبایی‌شناسی فرم مرکز پمپیدو، این سنجش، واجد نتیجه ارزش درستی است.

سنجش سوم: نقد تاریخی

تجربه ثابت کرده‌است گذر تاریخ می‌تواند ارزش بعضی از ساختمان‌ها که در مجاورت ساختمان‌های تاریخی واقع شده‌اند را کم کرده و به چشم مردمان، بی‌ارزش کند. این تجربه در مجاورت محله بوبور در محله له‌آل^{۲۰} برای بازار بزرگ آن رخ داده‌است. این ساختمان از سال ۱۸۵۰ تا سال ۱۹۷۰ پابرجا بود. اما در نهایت، ارزش و اعتبار معماری - اجتماعی خود را از دست داده و به تیغ تخریب سپرده شد.

در زمانی که گرد کهنگی بر پیکر ساختمان مرکز ژرژپمپیدو نشیند و پارادایم‌های اجتماعی آتی، فاصله زیادی با عصر حاضر داشته‌باشد، قضاوت آن روزگار شکل دیگری بر خود خواهد گرفت و رویکردهای فلسفی سوسیالیسم و لیبرالیسم قصه‌ای بیش نخواهند بود؛ آن گونه که برای ما، اکنون، فنودالیسم و بورژوازی،

داستانی تاریخی بیش نیست. لذا یک بیننده با نگاهی نه چندان حرفه‌ای چنین بیان می‌کند: «پیاده راه رفتن در شهری تاریخی، بسیار دل‌انگیزتر از راه رفتن در یک کارخانه یا پایانه حمل و نقل قدیمی است.» همان گونه که نتیجه پرسش نامه این را نشان داد. با در نظر داشتن این موضوع که در آینده و با تغییر نگاه‌ها و رویکردها، ممکن است سرانجام ساختمان خط‌شکن و تاریخ‌ساز مرکز ژرژپمپیدو به تصمیم‌گیری یک سیاست‌گذار پر نفوذ و یا رأی اکثریت عوام واگذار و حکم تخریب آن صادر شود. نتیجه این سنجش واجد ارزش درست نیست.

سنجش چهارم: مقایسه بافت‌شناسی

معضلات بافت‌های کهن مانند؛ عدم پویایی، اقتصاد ضعیف و ناکارآمدی، مستمسکی است تا تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عرصه طراحی منظر شهری، اقدام به مرمت و ساماندهی ناهمسو کنند اما از یاد می‌برند که ناکارآمدی و معضلات این بافت‌ها الزاماً و قطعاً، درونی و خودساخته نیست بلکه عوامل گوناگونی همچون برنامه‌ریزی طرح‌های بالادستی مانند طرح‌های آمایشی، جامع، تفصیلی و سیاست‌گذاری‌های اشتباه یا سایر عوامل، باعث بروز این معضلات شده‌است. مناطق و بافت‌های تاریخی زیادی را می‌توان نام برد که بدون دخالت‌های ناهمگن و ناهمسو به زندگی و پویایی خود ادامه می‌دهد و فارغ از بسیاری از معضلات هستند. منطقه بوبور و همسایگی‌های آن، محلاتی پویا و بافت‌های تاریخی زنده هستند. بنابراین لزومی برای وجود چنین ساختمانی در جهت تحرک و زنده شدن بافت تاریخی آن احساس نمی‌شود. همان گونه که بسیاری از بافت‌های تاریخی فرانسه و پاریس، بدون وجود این گونه ساختمان و کاربری، ماهیت و موجودیت خود را حفظ کرده و زنده و پویاست. تمامی ۲۰ منطقه پاریس دارای بافت‌های تاریخی بوده و تعداد زیادی از آن‌ها دست‌خوش بازآفرینی منظر ناهمساز نشده و همچنان پویاست.

از مقایسه منطقه بوبور با مناطق دیگر تاریخی، مشخص می‌شود که الزامی برای ساخت این مرکز در این منطقه نبوده‌است و این تصمیم چندان ارزشمند و علمی نیست. لذا نتیجه این سنجش نیز واجد ارزش درستی نیست.

سنجش پنجم: مقایسه گونه‌شناسی معماری

ساختمان‌های زیادی با مشابهت کارکردی و فرمی را می‌توان نام برد که در یک بافت تاریخی واقع نشده، اما بسیار موفق و مقبول است، مانند: بنیاد "کرتی" در پاریس اثر ژان نوول، بنیاد لویی ویتون در پاریس اثر فرانک گری، موزه گوگنهایم بیلباتو اثر فرانک گری، مرکز فرهنگی ژان ماری تیجیبائو در نئوما اثر رنزو پیانو. قرار دادن یک مجموعه با معماری ارزشمند و در خور تحسین در یک بافت پویا و قوی، الزاماً کمکی به هیچ‌کدام نخواهد کرد.

سنجش هفتم: مقایسه ایدئولوژیک ساختمان و زمینه

قرارگیری دو موجودیت هنری که از جنبه فکری و سمبولیک هیچ هم خوانی با هم ندارند، نمی تواند به مثابه تضادی معنادار و زیبایی شناسانه تلقی شود. تضاد هنگامی به عنوان یک رویکرد هنری، معنادار خواهد بود که در دیالکتیکی^{۳۳} طرح شود که تز^{۳۴} و آنتی تز^{۳۵} در سنتز^{۳۵} و بستری یکپارچه و یگانه شکل گرفته باشد. ساختمان پمپیدو با رویکردی روشن فکرانه، تکنولوژیک، علم گرایانه و شفاف در درون بافت و در مجاورت ساختمان هایی با رویکردی بورژوازی مآبانه، تاریخ گرا و غیرشفاف، نه می تواند همخوانی و هماهنگی پیدا کند و نه می تواند تضادی معنادار را بیافریند. این سنجش نشان می دهد که انتخاب این مکان برای این گونه معماری اشتباه است.

سنجش هشتم: تحلیل منطری

گزینه هایی چون هویت، خاطره و خوانش روان از شهر، مفهوم سرزمین را برای مکان موجب می شوند. در مقابل آشنایی زدایی این ساختمان که مولفه ای مثبت قلمداد می شود، شوک ناهمگنی فرم ها، در قاب ذهنی بیننده که بار هویت زدایی و خاطره زدایی دارد و خوانش نشان های این منطقه به مثابه یک سرزمین با تاریخ و اصالت را خدشه دار می کند، یک پدیده مقبول برشمرده نخواهد شد (تصویر ۱).^{۳۶} لذا این سنجش نیز با نتیجه ارزش نادرستی روبرو است.

بنابراین با مقایسه این ساختمان با ساختمان های نام برده، لزومی بر ساخت این ساختمان در محلی تاریخی وجود ندارد. لذا نتیجه این سنجش نیز واجد ارزش درستی نیست.

سنجش ششم: پارادوکس^{۳۱} مرمت

رویکرد علمی در این ساختمان، غیر صوری، نتیجه گرا، کارکردگرا و ساختارگرا است. مرمت بعدی ساختمان امری پیچیده خواهد بود. با نگاهی آینده نگرانه می توان گفت زمانی که تکنولوژی های امروزی کهنه شده و مفهوم تکنولوژی پیشرفته برای آن روزگار فاقد معنایی شود که هم اکنون برای ما دارد و یا در زمان طراحی مرکز ژرژپمپیدو داشته است از یک سو و از سوی دیگر ساختمان نیاز به مرمت و تعمیر داشته باشد، یک پارادوکس بزرگ نمایان می شود:

اگر در مرمت ساختمان از تکنولوژی های روز استفاده شود، آن گاه فرم ساختمان تغییر چهره خواهد داد.

اگر در مرمت ساختمان از یک تکنولوژی که به روز نخواهد بود بار دیگر استفاده شود؛ حامل پیامی متفاوت از پیام و ادعای اولیه ساختمان خواهد بود و مفهوم تکنولوژی پیشرفته که از شعارهای اصلی طراحی این ساختمان است خالی از معنا شده و طرح آن به یک معماری فرمال کاهش می یابد.

لذا در ساختمانی که مبانی مرمت آن تولیدکننده چنین پارادوکس پیش بینی نشده ای است و جنبه های آینده نگرانه در آن لحاظ نشده، چگونه صلاحیت قرارگرفتن در سایتی با ارزش تاریخی - فرهنگی بالا را دارد. بنابراین نتیجه این سنجش نیز مردود است.



تصویر ۱. مرکز ژرژپمپیدو. عکس: رضا گنجعلی خانی، ۱۳۹۴.

جدول ۳. ارزش گذاری، گزینش صحیح یا اشتباه محله بوبور برای مرکز ژرژپمپیدو. مأخذ: نگارنده

سنجش ها	ارزش درست	ارزش اشتباه
اول	۱	۰
دوم	۱	۰
سوم	۰	۱
چهارم	۰	۱
پنجم	۰	۱
ششم	۰	۱
هفتم	۰	۱
هشتم	۰	۱
جمع	۲	۶

نتیجه گیری

می گیرند، واجد اشتباهات بزرگ و تاریخی خواهد بود. به مانند مکان یابی مرکز پمپیدو در بافت تاریخی بوبور.

- طرح ساختمانی خط شکن، مانند مرکز ژرژ پمپیدو، در توان هر دستگاه مشاور معماری و شهرسازی نیست و هر کارفرمایی دارای مناسبات روشنفکری درک چنین اثری نیست. لذا این الگو نباید به سادگی دستمایه تصمیم گیری و تصمیم سازی برای بافت های تاریخی شود.

لذا فرضیه های مطرح شده درست است.

آنچه از سنجه ها و نتیجه حاصل از آن به دست می آید و همچنین طبق جدول ۳، دو ارزش درست در مقابل شش ارزش اشتباه، روشن می دارد که گزینش محله بوبور برای مرکز ژرژ پمپیدو اشتباه است. دیگر نتایج به شرح ذیل است:

- مرکز ژرژ پمپیدو با تمامی اعتبار و ارزش معماری نمی تواند الگوی مناسب برای بازآفرینی منظر شهری ناهمساز در بافت های تاریخی باشد.
- روش مرمت ناسازگار و تعیین حریم برای بافت های تاریخی که بدون در نظر گرفتن ارزش های تاریخی و فرهنگی بافت صورت



تصویر ۳. نقشه شهر تاریخ پاریس و مناطق بیست گانه منطقه ۴ محل قرارگیری مرکز ژرژ پمپیدو. مأخذ: Wikipedia.com/en/paris.html

تصویر ۲. نوع بافت اطراف مرکز ژرژ پمپیدو. عکس: رضا گنجعلی خانی، ۱۳۹۴.



تصویر ۴. عکس هوایی محدوده ژرژ پمپیدو. مأخذ: maps.google.com

پی نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری فرهنگ شهری» است که در سال ۱۳۹۴ به مسئولیت آقای دکتر سیدامیر منصوری در پژوهشکده نظر انجام گرفته و نگارنده به عنوان همکار طرح در سفر مطالعاتی و برداشت های میدانی طرح مذکور به مدت ۱۸ روز به اروپای غربی (فرانسه- ایتالیا) مشارکت داشته است.

۱. منظور از بازآفرینی منظر تاریخی و مرمت شهری ناهمساز روشی است که در شکل دهی و ساختار طرح باززنده سازی، توجهی اندک به زمینه، تاریخ، بوم و فرهنگ بافت تاریخی مورد نظر دارد.

۲. Beaubourg

۳. Victor Emmanuel

۴. Reichstagsgebäude

۵. Georg Pompidou

۶. Charles de Gaulle

۷. Valéry Giscard de Estaing

۸. Etymology

۹. «حسین بشیریه» در کتاب «جامعه شناسی سیاسی» می گوید: «در جامعه فئودالی، جامعه مدنی کم و بیش محدودی وجود داشت. پراکندگی قدرت، حقوق مالکیت، مصونیت و امتیاز اشرافیت زمین دار، وجود شهرهای خودمختار (Burgh) و جز آن زمینه وجود جامعه مدنی ضعیفی را تشکیل می داد.» (بشیریه، ۱۳۸۳: ۳۳۰)

۱۰. بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۴۵.

۱۱. در واقع این گونه می توان گفت که در این معماری استفاده از یک رویکرد کاملاً متکی بر علم، تجربه و آزمایش در چارچوب های منطقی و قابل اثبات، مورد نظر است و هر گونه نگاهی که منجر به بیان معمارانه غیر علمی در ساختمان شود، رد می شود. مانند نگاه دینی یا فرمالیستی و تزیینی و یا غیر کارکردی.

۱۲. Positivism

۱۳. Pragmatism

۱۴. Functionalism

۱۵. Structuralism

۱۶. Formalism

۱۷. Borgoazi

۱۸. Feudalism

۱۹. Aristocracy

۲۰. Capitalism

۲۱. Theocracy

۲۲. Democratic

۲۳. Liberal

۲۴. socialist

۲۵. Technocrat

۲۶. این مقاله در راستای رسیدن به خوانشی شرقی از شهر غربی تهیه شده است.

۲۷. پیشنهاد می شود نگاه کنید به دیدگاه های «کارل مارکس» در باب تاریخ.

۲۸. Defamiliarization

۲۹. Avant-garde

۳۰. Les halles

۳۱. Paradox

۳۲. Hegelian Dialectic (دیالکتیک هگلی)

۳۳. Thesis

۳۴. Antithesis

۳۵. Synthesis

۳۶. نک به مقاله (منصوری، ۱۳۸۳).



فهرست منابع

- Crain, I., (1992). *Modern Social Theory*, NewYork: Routledge.
- Jonson, W. E., (2014). *Logical, part 3, The Logical of Science*, NewYork : Cambridge University Press.
- Parekh, B., (1982). *Marx's Theory of Ideology*, New-York : Routledge.
- Seidman, S. (1998). *Contested Knowledge Social Theory Today*, Wiley-Blackwell.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر، باغ نظر، ۱(۲) : ۶۹-۷۸.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

